



راه بهشت، پافشاری و صبر در ناملایمات است/ معنای دنیای مذموم

ما به اختیار خود روی زمین نیامده ایم و زندگی نمی کنیم و به اختیار خود نمی رویم؛ پس این آمدن و رفتن، دنیای مذموم نیست.

ما به اختیار خود روی زمین نیامده ایم و زندگی نمی کنیم و به اختیار خود نمی رویم؛ پس این آمدن و رفتن، دنیای مذموم نیست. تمام اعمالی که انسان انجام می دهد باید بر اساس حق باشد، و عمل نمودن طبق حق قدری مشکل است. مرحوم علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی (ره) درباره دنیای مذموم مطالبی بین کرده که متن سخن در پی می آید:

حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: چون در روز عاشورا کار بر حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام بسیار سخت شد، بعضی از افرادی که با آن حضرت بودند، چون بر آن حضرت نظر کردند دیدند آن حضرت در حالات به خلاف آنهاست؛ چون حال آنها چنین بود که هر چه امر شدت می یافت رنگها از چهره ها متغیر می شد و بندها به لرزش در می آمد و دلها به طپش می افتاد. ولیکن حال و خصیصه سید الشهداء صلوات الله علیه و بعضی از اطرافیان آن حضرت که با او بودند چنین بود که رنگ های صورت هایشان می درخشید و اعضایشان آرام می گرفت و نفس ها در سینه ها آرامش بیشتری می یافت. در این حال بعضی به یکدیگر می گفتند: ببینید! گوئی این مرد ابداً باکی از مرگ ندارد!

حضرت سید الشهداء به آنها فرمود: ای فرزندان عزیزان و بزرگواران! قدری آرام بگیرید، صبر و تحمل پیشه کنید! چون مرگ نیست مگر پلی که عبور می دهد شما را از گرفتاری ها و شدائد به سوی بهشت های وسیع و نعمت های جاودانی. کدامیک از شما مکروه و ناپسند دارید که از زندانی به قصر مجلی انتقال یابید؟ آری، مرگ برای دشمنان شما نیست مگر مانند کسی که از قصری به سوی زندان و شکنجه انتقال یابد.

همانا پدرم برای من روایت کرد از رسول خدا صلی الله علیه و آله که: حقاً دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است؛ و مرگ پلی است که اینها را به سوی بهشت و آنها را به سوی جهنمشان می کشاند، من دروغ نمی گویم و به من نیز دروغ گفته نشده است. [1]

مرحوم علامه آیه الله سید محمد حسین حسینی طهرانی (ره) در کتاب نفیس معاد شناسی (ج اول) در بحثی شیوا پیرامون حقیقت دنیا چنین می نویسد: عامّه و خاصّه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ، فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ وَ جَهَنَّمُ مَحْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ، فَمَنْ أَعْطَى نَفْسَهُ لَذَّتْهَا وَ شَهَوَّتْهَا دَخَلَ النَّارَ. [2]

«راه بهشت مشحون و مملو است از ناگواری ها و شکیبائی در برابر آنها، کسی که در دنیا بر مشکلات راه خدا صبر کند و با نفس خود مجاهده کند و در مقابل ناملایمات شکیبائی ورزد داخل بهشت می شود؛ ولی راه جهنم پر است از شهوات و لذات، کسی که در مقابل خواسته های نفس اماره سر تسلیم فرود آورد و آنچه نفسش از شهوات از او بخواهد به او بدهد عاقبتش آتش دوزخ خواهد بود.»

از این حدیث شریف می توان استفاده کرد که تمام اعمالی که انسان انجام می دهد باید بر اساس حق باشد، و عمل نمودن طبق حق قدری مشکل است.

مثلاً انسان می خواهد به فقرا اطعام کند، از یتیم دستگیری بنماید؛ این محتاج به فعالیت است، زحمت است، محتاج صرف مال و آسایش است. می خواهد از مریضی عیادت کند، باید راهی را بپیماید و برای او هدیه ای ببرد، لحظاتی در مقابل او بنشیند، مریض را در حال ناراحتی و مرض ببیند و ناله او را بشنود، شکایت او را گوش کند، با بیانی نرم و ملایم او را دلداری دهد و دعوت به صبر و تحمل کند. اگر در اثر شدت یا طولانی شدن دوران مرض، تحمل مریض کم شده و جمله ناهنجاری بگوید، با کمال آرامش و بزرگواری اغماض کند. و اصولاً عیادت مریض کند گرچه با او سال هاست که جدائی و تنافر دارد. البته اینها مشکل است و انسان باید به نیروی عقل و تقوی بر خواسته های نفس مسلط شود تا بتواند کاری بکند.

انسان می خواهد نماز شب بخواند، شب است، در خواب خوش فرو رفته، نسیم ملایم می وزد؛ از خواب برخاستن و بستر آرام و راحت را ترک کردن مشکل. در ماه رمضان، در روزهای گرم و طولانی، روزه گرفتن مشکل است. جهاد کردن در راه خدا و از وطن دور شدن و جان خود را هدف تیر و شمشیر قرار دادن مشکل است. حج کردن و ترک خانمان نمودن و سر و پا برهنه دنبال کعبه واقعی در زمین مکه حرکت کردن مشکل است. طواف کردن، سعی نمودن، به عرفات کوچ کردن و در شب به مشعر آمدن، و مناسک متی همه مشکل است. با اخلاق نیکو با مردم سر و کار داشتن و عفو و اغماض نمودن و از تعدی و تجاوز آدم جاهل گذشتن مشکل است. رحمت بر زیر دست آوردن، و با مهربانی با فقرا و ضعفاء رفتار کردن، و با آنها درآمیختن و نشستن و برخاستن و بر سر یک سفره حاضر شدن مشکل است. در مقابل شتم و سب و لعن و هرزه گوئی مردم، شکیبا بودن و جام تحمل و صبر را لبریز نکردن و با جاهلان به مسالمت رفتار نمودن مشکل است.

زندگی انسانی و حیوانی؛ حیات دنیا و علیا

خلاصه آنکه اگر انسان بخواهد در دنیا شرافتمندانه زیست کند و کردار خود را بر پایه فضیلت و پاکی قرار دهد، و در مقام عبودیت و تسلیم اوامر حق متعال فتور ننموده و سستی نوزد، و در سراء و ضراء با مردمان خدا شرکت کند و با ریاضات شرعیّه نفس خود را ادب کند، سراسر زندگی انسان مواجه با ناگواری ها شده و باید مرد خدا با قدم راستین در این میدان مجاهده گام بردارد. چون اینها راه بهشت و رضوان و مقدّمه طهارت و تهذیب نفس است؛ و تا نفس پاک نشود و مهذب نگردد، وصول به بهشت امکان پذیر نخواهد بود.

ولی جهنّم مملوّ است از شهوات و لذّات بی بند و بار، و دروغ و غیبت، و خیانت و فسق و فجور، و قمار و شرب خمر، و تعدّی به اموال و نوامیس مردم، و تجاوز به حقوق زن و فرزند و همسایه و شریک و رفیق و عالم و امام و پیامبر. چشم بی بند و بار باز است، هر چه را بخواهد می بیند. و از این روزنه دل هر چه بخواهد تمتی می کند و نفس آمره انسان برای موافقت خواهش دل بهر زشتی که دیده دیده و دل خواسته امر می کند، تا بالاخره نفس خود را از زشتی ها اشباع می نماید؛ اینها همه از نتایج جهنّم است. راه دوزخ، راه عنان گسیختگی و راه بی بند و باری و راه عدم تعهد و فقدان مسؤولیت است.

باری، کسی که در دنیا روی میزان صحیح مشی ننماید و براساس وظائف انسانیّت عمل نکند، و خود را مهمل پنداشته و بی حساب و کتاب فرض کرده، و خود را از این عالم شگفت انگیز و این جهان عجیب با این نظم بدیع، جدا دیده و سرسری رفتار کند، در دستگاه انتظام این عالم مسؤول بوده و مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت و به پاداش و کیفر اعمال خود خواهد رسید. این است معنی جهنّم.

معنای دنیای مذموم

در أخبار وارد شده است که دنیا ملعون خداست. در ضمن وصایائی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به ابو ذر غفاری می کنند می فرمایند: **يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ، مَلْعُونٌ مَا فِيهَا.** [3] «ای ابوذرا! دنیا ملعون است و ملعون است هر چه در دنیاست.»

در بسیاری از روایات مذمت دنیا شده است؛ دوری از دنیا را موجب سعادت و روی آوردن به آن را علت شقاوت دانسته است. معنای دنیا همین زندگی کردن بر اساس تخیّلات و شهوات و لذائذ فانیه، و غفلت از برنامه حقیقی انسانی و جهالت و غفلت از خداست. معنای دنیا پیروی از مکتب احساس و عواطف حیوانی و غرائز بهیمی و دور بودن از منطق عقل است.

این معنای دنیاست، یعنی زندگی پست و دنی، در مقابل زندگی علیا یعنی حیات بلندپایه در سطح فضائل انسانی. و لذا در قرآن مجید حیات دنیا را مقابل با آخرت شمرده است: **يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ.** [4] حیات آخرت که باطن دنیاست، حیات علیا است، حیات انسان عقلانی است؛ ولی حیات دنیا که حیات منطق احساسات است حیات نفسانی است.

منظور از دنیای مذموم، زندگی کردن روی زمین و از نعمتهای پروردگار مٹان بهره برداری کردن نیست. روی زمین زندگی کردن و با عمر طولانی با صحت و سلامت زیست نمودن و در امان و فراغت بال و آرامش دل و اطمینان خاطر در روی زمین به سر بردن گناه نیست.

ما به اختیار خود روی زمین نیامده ایم و زندگی نمی کنیم و به اختیار خود نمی رویم؛ پس این آمدن و رفتن، دنیای مذموم نیست. زمین که گناه نکرده است. کوه ها، آب ها، آبشارها، سبزه ها، مناظر عجیب و غریب روی زمین، باد و باران، و پیدایش فصول اربعه، و مناظر عجیب طلوع و غروب خورشید، و ماه و ستارگان و کهکشان، گناه نکرده اند.

در روی زمین انبیاء و ائمّه و اولیای خدا زندگی کرده و می کنند؛ آنها ملعون نیستند، و زندگی آنها روی زمین موجب منقصت و پستی آنها نخواهد بود. آنها دور از رحمت خدا نبوده و نیستند.

منظور از دنیا زندگی حیوانی است. یعنی انسانی که باید با دارا بودن قوای عقلانی به آخرین درجه قوس صعود رسیده و از آخرین ذروه مدارج و معارج انسانیّت بالا آید، زندگی خود را پائین آورده و بر اساس منطق حیوان زندگی کند؛ و از اندیشه مند شدن در این عالم عجیب خلقت، و تفکر و تأمل در برنامه و هدف انسانی غفلت ورزیده، هم و غم خود را خوردن و آشامیدن و به روی هم جستن قرار دهد، ایده و آرمان خود را کشتن و غارت کردن و تعدّی به ضعفاء نمودن قرار دهد. بر اساس تخیّلات واهی و آرزوهای پوچ که محالست صورت واقعیت بخود بگیرد زندگی خود را ترتیب دهد.

زندگی در روی زمین بر اساس تقوی و عدالت زندگی دنیا نیست

برای غالب از مردم این معنی اشتباه شده و معنی زندگی دنیا را زندگی روی زمین و حیات مادی ادراک کرده اند، و بنابراین چنین می فهمند که منظور از مذمت دنیا مذمت حیات مادی و تمتع از مواهب مشروعه الهیه در روی زمین است و این توهمی است بس غلط. بلکه زندگی روی زمین و تمتع از آنچه خدا عنایت فرموده است اگر توأم با تقوی و ورع و عدالت و ملکات حسنه و عبودیت در پیشگاه ذات مقدّس خداوندی باشد بهترین وسیله است برای رسیدن به بهشت و رضوان، و حقیقتش حیات علیاست در مقابل حیات دنیا.

این زمین با آثار و خصوصیاتش، مهد پرورش پاکدلان و پاک کرداران بوده است؛ آنان که یکسره به عالم اعلی رهسپار شده و آنی در حیات دنیا وارد نشده اند بلکه پیوسته با وجود تمتع از مواهب الهیه روی زمین در حیات علیا مقرر و مأوی گزیده اند. زندگی روی زمین و حیات مادی و سلامت بدن و عمر طولانی و فراغت خیال، بهترین اساس آخرت و مایه سعادت و راه تکامل

انسان است؛ بلکه تنها وسیله راه کمال و سعادت است.

در روایات بسیار وارد شده است که انبیاء و ائمه علیهم السّلام کار می کردند، تجارت می نمودند، زراعت می کردند، گله گوسفند داشتند، باغستان و نخلستان ترتیب میدادند، قنات آب جاری می نمودند. اگر اینها حیات دنیا بود، اگر مذموم و نکوهیده بود، چرا به چنین کرداری اقدام می نمودند؟

أمیرالمؤمنین علیه السّلام چقدر قنواتی جاری کردند و نخلستان هائی غرس کردند، ولی در حیات علیا، نه حیات دنیا. و منافع آن را بر فقرا و مساکین و ذوی القربی و ضعفاء وقف می نمودند. روزی أمیرالمؤمنین علیه السّلام انبانی بدوش داشته می رفتند، یکی از دوستان به آن حضرت برخورد نموده گفت چه به دوش حمل می کنید؟

حضرت فرمود: یک نخلستان درخت خرما را بدوش می برم. این انبان پر است از هسته خرما. می برم آنها را در میان نخلستان بکارم، و خداوند برکت می دهد و از هر هسته ای یک درخت خرما می روید. [5]

1. معانی الاخبار، باب معنی الموت، ص 288

2. مصباح الفلاح، طبع سنگی، تألیف آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی، ص 30 و 31.

3. مکارم الاخلاق، شیخ طبرسی، طبع سنگی، ص 258: در ضمن وصیت مفصلی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به أبودر غفاری می کنند می فرمایند: یا أَبَادِرْ! إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ، مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا ابْتَغَىٰ بِهِ وَجْهُ اللَّهِ الْحَدِيث.

4. آیه 7، از سوره 30: الرّوم.

5. وسائل الشّیعة، کتاب التّجارة، أبواب مقدّمات، باب 10، حدیث 1 و 2.